

Lived Experience of Students with Physical Disabilities, from Participation in Inclusive Education

**Davoud Tahmasebzadeh
Sheikhlar** 

Assistant Professor, Curriculum Studies,
Faculty of Educational and Psychology
Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Ahad Azimi Aqbolagh *

Phd Student in Curriculum Studies, Faculty
of Educational and Psychology Sciences,
University of Tabriz, Tabriz, Iran..

**Seyyed Taher Seyyedi
Nazarloo** 

Phd Student in Curriculum Studies, Faculty
of Educational and Psychology Sciences,
University of Tabriz, Tabriz, Iran..

Syamand Ghaderi 

Phd Student in Curriculum Studies, Faculty
of Educational and Psychology Sciences,
University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Abstract

Providing inclusive, sustainable, and accessible education for students with disabilities can be a result of recognizing and protecting their rights. The purpose of this study is to describe and understand the lived experience of students with physical disabilities from participation in inclusive education at the level of higher education. This research was conducted in the academic year 2019-2020 based on an interpretive paradigm and qualitative approach and using the phenomenological method of a psychological (scientific) type. From the community of physical students, 18 students with severe and very severe disabilities were selected using purposive sampling and participated in a semi-structured in-depth interview. Data analysis was performed manually, simultaneously with data collection, using the proposed Colaizzi model. Data validation strategies were performed using the methods of External checks, Member checks, allocating sufficient time for data collection, continuous conflict, and investigator triangulation. Findings were

* Corresponding Author: ahadzimi63@gmail.com

How to Cite: Momeni, K., Momeni, K., Momeni, K., Momeni, K. (2022). Lived Experience of Students with Physical Disabilities, from Participation in Inclusive Education, *Journal of Psychology of Exceptional Individuals*, 12(46), 49-87.


extracted in the main themes of "meaning of education", "barriers to accessibility", "education fees", "human relations" and "organizational role" and several other sub-themes. The results show that despite the strong internal motivation of students with disabilities to prove their abilities, as well as the supportive communication space in informal groups, this is a disabling academic environment and organizational neglect that is a strong barrier against students with disabilities and prevents the realization of the goals of the social model of disability and inclusive education. The results warn that the lack of adaptation of the university environment will lead to the failure of the experienced curricula of students with physical disabilities.

Keywords: Inclusive Education, Students with Physical, Phenomenology.




تجارب زیسته دانشجویان معلول جسمی - حرکتی، از مشارکت در آموزش فراگیر


دانشیار مطالعات برنامه درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

داود طهماسب زاده شیخلار 


دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

احد عظیمی آقبلاغ * 

دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

سید طاهر سیدی نظرلو 

دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

سیامند قادری 

چکیده

فراهم نمودن آموزش فراگیر، پایدار و قابل دسترس برای دانشجویان معلول، می‌تواند ناشی از شناخت و حمایت از حقوق آنان باشد. هدف پژوهش حاضر، توصیف و فهم تجارب زیسته دانشجویان معلول جسمی - حرکتی، از مشارکت در آموزش فراگیر، در سطح آموزش عالی است. این پژوهش در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ با ابتنای بر پارادایم تفسیری و رویکرد کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی، از نوع روان‌شناختی (علمی) انجام شد. از میان جامعه دانشجویان جسمی - حرکتی، تعداد ۱۸ نفر از دانشجویان این طیف، با نوع معلولیت شدید و خیلی شدید، با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و در مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته مشارکت کردند. تجزیه و تحلیل داده‌ها، هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها، به صورت دستی و با استفاده از الگوی پیشنهادی کلایزی^۱ انجام شد. راهبردهای اعتباربخشی به داده‌ها با استفاده از روش‌های بازنگری ناظرین، بازنگری مشارکت‌کنندگان، تخصیص زمان کافی برای جمع‌آوری داده‌ها و درگیری مداوم و مثلث‌سازی محقق انجام شد. یافته‌ها در مضمون‌های اصلی «معنای تحصیل»، «موانع

* نویسنده مسئول: ahadazimi63@gmail.com

دسترس‌پذیری»، «هزینه تحصیلی»، «ارتباطات انسانی» و «نقش سازمانی» و چندین مضمون فرعی دیگر استخراج شد. نتایج گویای این نکته مهم است که علی‌رغم وجود نیروی انگیزه درونی قوی در دانشجویان معلول، جهت اثبات توانمندی‌های خود و همچنین فضای ارتباطی حمایتی در گروه‌های غیررسمی، این محیط دانشگاهی معلول‌کننده و غفلت‌سازمانی است که، به‌عنوان سد محکم در مقابل دانشجویان معلول قرار می‌گیرد و مانع تحقق اهداف مدل اجتماعی معلولیت و آموزش فراگیر می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده، هشدار می‌دهد که عدم مناسب‌سازی محیط دانشگاه، موجب شکست برنامه‌های درسی تجربه‌شده دانشجویان معلول جسمی - حرکتی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: آموزش فراگیر، دانشجویان معلول جسمی - حرکتی، پدیدارشناسی.



مقدمه

تعریف سازمان بهداشت جهانی^۱ (۲۰۱۷)؛ از معلولیت، شرایطی است که عملکرد و مشارکت افراد را محدود می‌کند. در حوزه پژوهش و عمل، دو نوع مدل معلولیت وجود دارد؛ نوع اول، مدل پزشکی^۲ و دیگری مدل ساخت اجتماعی^۳ است. از نظر تاریخی، معلولیت اغلب به عنوان یک موضوع پزشکی و بیماری مورد توجه قرار گرفته است. این مدل به دلیل مفهوم سازی ناتوانی به عنوان آسیب، همواره مورد انتقاد قرار می‌گیرد. در مقابل، مدل ساخت اجتماعی ادعا می‌کند که معلولیت یک ویژگی طبیعی از تنوع انسانی است که فقط در صورتی مشکل ساز تلقی می‌شود که جامعه ساختارهای فیزیکی، اجتماعی و فکری خود را به شیوه‌هایی ایجاد کند که افراد معلول را به حاشیه برود (کوری^۴، ۲۰۱۱). بر اساس مفروضات مدل اجتماعی، این جامعه است که فرصت‌های مشارکت در فعالیت‌های معمول اقتصادی و اجتماعی را برای افراد معلول محدود می‌کند (اولیور و بارنس^۵، ۲۰۱۰). گفته می‌شود آموزش عالی^۶ با ایجاد فرصت، از جمله عوامل اصلی ترویج مشارکت حداکثری در جامعه به طور کلی و به طور خاص برای افراد معلول است (مالدن، وندلبرگ و توسبرو^۷، ۲۰۰۹).

از دیدگاه مدل اجتماعی، آموزش عالی باید تجارب آموزشی را تغییر دهد تا همه دانشجویان بتوانند در آن مشارکت کنند (مورینا^۸، ۲۰۱۷). دانشگاه‌ها موظف‌اند در سیاست‌ها و شیوه‌های خود به طور جدی تجدیدنظر کنند تا اطمینان حاصل شود که به طور واقعی فراگیر می‌شوند و باید تضمین کنند که همه، بدون استثنا، مورد استقبال قرار گیرند و بتوانند یاد بگیرند، موفق شوند و مشارکت کنند (لورنز و شوارتز^۹، ۲۰۱۹). این آموزش

1. World Health Organization
2. Medical model
3. Social model
4. Cory
5. Oliver & Barnes
6. Higher education
7. Molden, Wendelborg & Tøssebro
8. Morina
9. Lourens & Swartz

فراگیر^۱ است که حق مشارکت کامل و آموزش با کیفیت را برای همه دانشجویان دانشگاه تضمین می‌کند (مورینا، ۲۰۱۷). آموزش فراگیر می‌تواند نتایج رضایت بخشی را برای دانشجویان معلول، به‌ویژه مربوط به سازگاری اجتماعی و مشارکت کامل آنان در جامعه تعیین کند (بولار^۲، ۲۰۱۸). در طول ۵۰ سال گذشته، آموزش فراگیر به‌عنوان یک شیوه اساسی پذیرفته‌شده، همه افرادی را که به دلیل معلولیت خود به حاشیه رانده‌شده و محروم شده‌اند را به دور خود جمع می‌کند (پیچ، موروپلو و هارینگتون^۳، ۲۰۲۰). در آموزش عالی، آموزش فراگیر به دسترسی همه‌جانبه به پذیرش، برنامه‌ها، رویدادها، کلاس‌ها و فضاهای فیزیکی در محیط دانشگاه اشاره دارد (میرز، لیندبورگ و نید^۴، ۲۰۱۴). در واقع، فراگیر بودن ویژگی بارز یک دانشگاه باکیفیت است (گایرین و سوارز^۵، ۲۰۱۴).

افراد دارای معلولیت جسمی - حرکتی، یکی از انواع گروه‌های معلولان هستند. از شایع‌ترین معلولیت‌های جسمی می‌توان به نقص عضو، ضایعات نخاعی، ناهنجاری‌های مربوط به اسکلت و استخوان‌ها و... اشاره کرد. تمرکز پژوهش حاضر بر فهم تجارب زیسته دانشجویان معلول جسمی - حرکتی است. ادبیات مربوط به تحصیل دانشجویان معلول نشان می‌دهد که آنان، همچنان با موانع قابل توجهی روبرو هستند که مانع تحصیل آن‌ها در دانشگاه می‌شود (آندرسون، کارتر و ستنسن^۶، ۲۰۱۸). یک گروه از دانشجویان در معرض خطر ترک تحصیل از دانشگاه، دانشجویان معلول هستند، چراکه آنان احساس می‌کنند که دانشگاه برای آنان مناسب نیست (اکوفه^۷، ۲۰۱۳).

علی‌رغم تلاش دانشگاه‌ها برای ایجاد ملزومات آموزش فراگیر، تجربیات دانشجویان معلول نشان می‌دهد، آن‌ها با محیط‌های ناتوان‌کننده مختلفی مواجه هستند. در یک مورد مطالعه غیرمستقیم، پژوهش‌گران ایرانی در بررسی نیازهای ویژه افراد دارای ناتوانی

-
1. Inclusive Education
 2. Bualar
 3. Page, Mavropoulou & Harrington
 4. Myers, Lindburg & Nied
 5. Gairín, & Suárez
 6. Anderson, Carter & Stephenson
 7. Okeeffe

جسمی، به این نتیجه رسیدند که آموزش، جابجایی و حمل و نقل، بناها و فضاها، مشارکت اجتماعی و اشتغال از جمله نیازهای افراد کم توان جسمی است (فرهودیان، سلیمانی‌نیا، غریب، فرهادی و صادقی، ۱۳۹۲). پژوهشگرانی نظیر، یوسف، چان، هیلیا لودین، احمد رملی و مت ساد^۱ (۲۰۱۹) با استفاده از روش کیفی و در مصاحبه با ۱۴ دانشجوی معلول و ۵ مدیر دانشگاه نشان دادند که دانشگاه‌ها برای از بین بردن موانع دسترسی و مشارکت، باید نقش‌های فعال‌تری را ایفا کنند. تجارب دانشجویان معلول مشارکت‌کننده در پژوهش سترانوا، هاجکوا و کوتنوا^۲، (۲۰۱۵) نشان داد که موانع موسسه‌ای، موانع نگرشی و موانع خاص معلولیت از جمله موانع شایع بود؛ همچنین، انواع حمایت‌هایی مانند حمایت خانواده، حمایت همسالان و پشتیبانی دستیاران از دانشجویان معلول انجام می‌شد. ولاچو و پاپانانو^۳ (۲۰۱۸) در بررسی تجارب و چشم‌اندازهای دانشجویان معلول در آموزش عالی، به این نتیجه رسیدند که در رابطه با مسائل معلولان و آموزش، نیاز به تجدیدنظر و اصلاح سیاست‌ها و اقدامات مؤسسات آموزشی وجود دارد. میلیک بابیک و داوولینگک (۲۰۱۵) در مصاحبه‌های کیفی دریافتند که، دانشجویان معلول از حمایت غیررسمی که از خانواده و دوستانشان دریافت می‌کردند راضی بودند اما از حمایت رسمی که از دانشگاه‌ها و دولت دریافت می‌کردند ناراضی بودند. همچنین آنان حمل و نقل و بودجه ناکافی برای حضور در دانشگاه و حداقل سازگاری ساختمان‌ها، توالت‌ها، آسانسورها، کلاس‌ها و خوابگاه‌ها را از جمله موانع برشمردند. در پژوهشی دیگر، چالش‌ها و عوامل تسهیل‌کننده تحصیل دانشجویان معلول توسط کوناث و متیو^۴، (۲۰۱۹) بررسی شد. نتایج، منعکس‌کننده برنامه‌ریزی ضعیف، عدم حساسیت به معلولیت در جامعه و دسترسی ناکافی به منابع بود. همچنین در دسترس بودن، عملکردها در کلاس، امکانات برای امتحانات، ارتباطات، نگرش اجتماعی و چالش‌های اشتغال به‌عنوان جنبه‌های اصلی بودند که نیاز به توجه داشتند. نتایج بررسی پیشینه نشان داد که دانشجویان معلول جسمی حرکتی در طول دوران

1. Yusof, Chan, Hillaluddin, Ahmad Ramli, & Mat Saad

2. Strnadova, Hajkova, & Kvetonova

3. Vlachou & Papananou

4. Kunnath, S. K., & Mathew

تحصیل خود در دانشگاه، چالش‌ها و تسهیل‌کننده‌های متفاوتی را تجربه می‌کنند. هم‌راستا با سایر کشورها، در کشور ایران، اقبال دانشجویان معلول برای ثبت‌نام و ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها بیشتر شده است. باین حال سازمان یونسکو^۱ (۲۰۱۸) در گزارش خود اعلام کرد که شکاف زیادی در میزان سواد بزرگ‌سالان معلول ۱۵ سال و بالاتر در ایران وجود دارد. در ایران بین میزان سواد معلولان (۴۹٪) و بزرگ‌سالان غیر معلول (۸۰٪) ۳۱ درصد اختلاف وجود دارد. طی سال‌های اخیر، قوانین وضع شده در اسناد بالادستی، به‌ویژه قانون جامع حمایت از حقوق معلولین، حق تحصیل در سطح آموزش عالی را مورد تأکید قرار داده‌اند. به تبعیت از این قوانین، دانشگاه‌ها نیز وظیفه دارند که ملزومات و نیازهای مسلم مشارکت فعال دانشجویان معلول را فراهم آورند. در این راستا اقداماتی هم انجام شده است. مرور پیشینه پژوهش نشان داد که پژوهشگران خارجی در کشورهای مختلف به بررسی کیفیت حضور دانشجویان معلول جسمی حرکتی در سطح آموزش عالی پرداخته‌اند ولی در ایران این مهم، یک شکاف عمده پژوهشی محسوب می‌شود؛ چراکه در این زمینه دانش کافی و مستدل در دسترس نیست؛ و جای خالی این پژوهش وجود داشت. عاروان (۱۳۹۹) بر این نکته صحه می‌گذارد که در حوزه معلولان، تولید دانش ضعیف است؛ منابع و رفرنس‌هایی که در ایران وجود دارد، بسیار محدود است. لذا پژوهش‌گران پژوهش حاضر، تصمیم گرفتند که از رویکرد کیفی استفاده کنند تا ماهیت ناشناخته مشارکت دانشجویان معلول - جسمی حرکتی در آموزش عالی را مورد کاوش قرار دهند. در صورت نپرداختن به کیفیت حضور دانشجویان معلول جسمی حرکتی در دانشگاه، این امکان وجود دارد که خواسته‌ها و دغدغه‌های این طیف از دانشجویان، در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها مدنظر قرار نگیرد. مسلم است که یک جو مناسب در دانشگاه می‌تواند از رنج معلولیت دانشجویان معلول بکاهد و بالعکس. انجام این پژوهش می‌تواند سیمای حضور دانشجویان معلول جسمی - حرکتی در دانشگاه را به تصویر بکشد. نتایج پژوهش در وهله اول پشتوانه علمی و پژوهشی خوبی

است تا بدین‌وسیله متصدیان امر با موردتوجه قرار دادن نتایج پژوهش، اقدامات و اصلاحات لازم را در امر تحصیل این طیف از دانشجویان فراهم آورند که این شرایط، به‌نوبه خود منجر به بهبود مسیر تحصیلی، افزایش کیفیت فرآیند یاددهی- یادگیری و حضور و دوام بیشتر و هر چه بهتر آنان در سطح آموزش عالی خواهد شد. ناگفته پیداست که این روند در نهایت منجر به افزایش کیفیت زندگی، آسیب‌پذیرترین قشر دانشجویان معلول خواهد شد. همچنین بازخورد مثبتی را برای خود دانشجویان معلول فراهم می‌کند؛ چراکه وقتی دانشجوی معلولی درباره تجربه مشارکت خود سخن می‌گوید، نه تنها حقوق خود را می‌شناساند، بلکه از حق آموزش خود دفاع می‌کند. لذا این سؤال کلی مطرح می‌شود که دانشجویان معلول جسمی- حرکتی چه توصیف و فهمی از مشارکت خود در آموزش فراگیر در سطح آموزش عالی دارند؟

روش

این پژوهش در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ با ابتدای بر پارادایم تفسیری و رویکرد کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی، از نوع روان‌شناختی (علمی) انجام شد. این نوع پدیدارشناسی، کمتر به تفاسیر پژوهش‌گر و بیشتر به توصیف تجارب مشارکت‌کنندگان تأکید دارد. علاوه بر این، به یکی از مفاهیم هوسرل^۱، یعنی اپوخه^۲ (جداسازی) تأکید می‌شود که در آن پژوهش‌گران تجاربشان را تا حدی که ممکن است کنار می‌گذارند تا بتوانند نگاهی نو نسبت به پدیده موردبررسی به دست آورند (ایمان، ۱۳۹۴). پژوهش‌های کیفی در زمینه‌هایی که دانش موجود کامل و کافی نیست، مناسب و مطلوب هستند (ادیب حاج باقری، پرویزی و صلصالی، ۱۳۹۶). با توجه به اینکه تجارب دانشجویان معلول جسمی- حرکتی، حداقل در ایران، ماهیت ناشناخته‌ای دارد و مجامع علمی کشور، با کمبود اطلاعات مستند و موثق در این زمینه مواجه است، لذا استفاده از پژوهش کیفی برای تحصیل اطلاعات در این حوزه، اجتناب‌ناپذیر بود. با مدنظر قرار دادن کل جامعه پژوهشی

1. Husserl

2. Epoche

دانشجویان معلول جسمی حرکتی، تعداد ۱۸ نفر دانشجوی این طیف، مبتنی بر نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد؛ این روند تا رسیدن داده‌ها به حالت اشباع ادامه یافت. معیار ورود دانشجویان معلول جسمی- حرکتی به پژوهش، دارا بودن معلولیت شدید و خیلی شدید بود. جنسیت مشارکت‌کنندگان شامل مرد و زن بود که در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های مختلف مشغول به تحصیل یا اخیراً فارغ‌التحصیل شده بودند.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی دانشجویان معلول جسمی- حرکتی مشارکت‌کننده در پژوهش

کد	جنسیت	سن	مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی
۱	مرد	۲۳	کارشناسی	زیست‌شناسی
۲	مرد	۲۸	کارشناسی ارشد	ژنتیک
۳	زن	۲۹	کارشناسی ارشد	گیاه‌پزشکی
۴	مرد	۲۴	کارشناسی	کامپیوتر
۵	زن	۲۳	کارشناسی	الهیات
۶	زن	۲۶	کارشناسی ارشد	روان‌شناسی عمومی
۷	مرد	۲۷	کارشناسی	حقوق
۸	مرد	۲۸	کارشناسی ارشد	زمین‌شناسی (زیست‌محیطی)
۹	مرد	۲۶	کارشناسی	علوم تربیتی
۱۰	زن	۲۴	کارشناسی	مدیریت دولتی
۱۱	زن	۲۴	کارشناسی	حسابداری
۱۲	زن	۲۳	کارشناسی	تاریخ
۱۳	مرد	۲۵	کارشناسی	مشاوره
۱۴	مرد	۲۵	کارشناسی	زمین‌شناسی
۱۵	زن	۳۰	کارشناسی ارشد	روان‌شناسی عمومی
۱۶	مرد	۲۸	کارشناسی	حقوق
۱۷	زن	۲۶	کارشناسی	مدیریت بازرگانی
۱۸	زن	۳۵	کارشناسی ارشد	مهندسی کشاورزی

برای حصول اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختارمند عمیق استفاده شد. مصاحبه‌ها به صورت انفرادی و در یک فضای صمیمی انجام شد. به جهت رعایت ملاحظات اخلاقی،

پژوهش گر قبل از هر مصاحبه، با ذکر اهداف پژوهش و اطمینان بخشی نسبت به رعایت اصل محرمانه و ناشناس ماندن افراد، توانست رضایت شفاهی را از مشارکت کنندگان بگیرد. همچنین برای ضبط متن مصاحبه‌ها از تک‌تک مشارکت کنندگان اجازه گرفته شد. زمان هر مصاحبه بین ۳۵ تا ۶۰ دقیقه طول کشید.

طی جلسه مصاحبه با هر مشارکت کننده، ابتدا سؤالات توصیفی برای شروع بحث مطرح شد؛ سپس از طریق سؤالات ساختاری و متمایز کننده ادامه یافت. به عنوان نمونه، سؤالات زیر مطرح شد. ۱- چه شد که تصمیم گرفتی در سطح آموزش عالی ادامه تحصیل بدهی؟ ۲- چه تجارب موفق و ناموفقی در طول دوران تحصیل در دانشگاه داشته‌اید؟ ۳- به عنوان دانشجوی معلول جسمی حرکتی، وقتی در قالب آموزش فراگیر با سایر دانشجویان عادی در دانشگاه حاضر شدی، با چه تسهیل کننده‌ها و چالش‌های تحصیلی مواجه بودید؟ به اقتضای مباحث مورد گفتگو، سؤالات پیگیرانه، ژرفکاوتر و دقیق‌تر مطرح می‌شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها پس از انجام اولین مصاحبه و هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها، به صورت دستی و با استفاده از الگوی پیشنهادی کلایزی^۱ انجام شد. نه مرحله پیشنهادی وی برای تحلیل داده‌ها در تحقیق پدیدارشناسی عبارت‌اند از: ۱- توصیف پدیده مورد نظر توسط محقق، ۲- جمع‌آوری توصیف‌های شرکت کنندگان، ۳- قرائت توصیف‌های شرکت کنندگان، ۴- استخراج عبارات اصلی، ۵- پیدا کردن معنای عبارات اصلی، ۶- سازمان‌دهی و فرموله کردن معانی در قالب خوشه‌ها و تم‌ها (خوشه معنایی)، ۷- نوشتن یک توصیف جامع، ۸- فرموله کردن ساختار اساسی پدیده، ۹- مقایسه توصیف‌های شرکت کنندگان با توصیف محقق و اصلاح یا افزودن موارد لازم. (ادیب، پرویزی و صلصالی، ۱۳۹۴).

برای ارزیابی داده‌های کیفی حاصل شده، از شیوه‌های متنوعی استفاده شد. یکی از راهبردهای اعتباربخشی داده‌ها، استفاده از بازنگری ناظرین بود. ابتدا نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها در اختیار دو تن از اساتید صاحب نظر حوزه پژوهش‌های کیفی قرار گرفت و نظرات

تکمیلی و اصلاحی آنان لحاظ شد. همچنین با استفاده از بازنگری مشارکت‌کنندگان متن پیاده شده مصاحبه‌ها به صورت داده اولیه و به شکل کدگذاری شده در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و بازخوردهای لازم انجام گرفت. مورد دیگر که به حقیقی بودن داده‌ها کمک کرد این بود که پژوهشگر علاوه بر تخصیص زمان کافی برای جمع‌آوری داده‌ها و درگیری مداوم در فرآیند پژوهش، با اتخاذ رویه حسن ارتباط، فضایی حاکی از اطمینان و اعتماد ایجاد کرد که باعث شد مشارکت‌کنندگان اطلاعات واقعی را ارائه دهند. بعلاوه، برای افزایش اعتبار داده‌ها، از روش مثلث‌سازی محقق استفاده شد. به این صورت که در جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها از وجود دو پژوهشگر استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۲. مضمون‌های اصلی، فرعی و عبارات مضمونی اولیه ظهور یافته از تجارب زیسته دانشجویان معلول جسمی - حرکتی از مشارکت در آموزش فراگیر

مضمون اصلی	مضمون فرعی	عبارات مضمونی اولیه
معنای تحصیل	انگیزه درونی	* احقاق حق و اعلان موجودیت * افزایش آگاهی و مهارت * تأثیر مثبت در روحیه و رهایی از افسردگی * امید به آینده
	انگیزه بیرونی	* رسیدن به شغل مناسب * سودای سفر به خارج از کشور
موانع دسترس‌پذیری	تردد پذیری سخت	* نبود سرویس ویژه * هزینه رفت و آمد
	محیط دانشگاهی معلول‌کننده	* وجود موانع جلوی ورودی‌ها * چالش رمپ * مشکل سرویس بهداشتی * عدم دسترسی به سایر کلاس‌ها * عدم دسترسی به سایر ساختمان‌ها * پله‌های آزاردهنده

مضمون اصلی	مضمون فرعی	عبارات مضمونی اولیه
		*چالش آسانسور *نامناسب بودن مبلمان کلاسی و ساختمان
	هزینه تحصیلی	* غفلت از تحصیل رایگان * هزینه روزمره دانشجویی
ارتباطات انسانی	نقش حمایتی	* درک مثبت اساتید * حمایت دلگرم کننده همسالان * حمایت خانواده * ابهام اولیه * محدودیت ارتباطی
نقش سازمانی	موانع سازمانی	* ناامید از استخدام * غفلت دسته جمعی سازمانی * انتظارات از سازمانها

معنای تحصیل

اولین مضمون اصلی ظهور یافته از تحلیل مصاحبه‌ها، «معنای تحصیل» بود؛ که دو مضمون فرعی «انگیزه درونی» و «انگیزه بیرونی» را در برداشت.

انگیزه درونی: یکی از عوامل انگیزشی مهم دانشجویان معلول از مشارکت در آموزش فراگیر، کشش و نیاز درونی آنها برای اثبات توانمندی‌های خود بود. آنان با انتخاب مسیر تحصیل در آموزش عالی، می‌خواهند ابراز وجود کنند و محدودیت را به فرصت تبدیل کنند. در ادامه، نقل قول‌های هریک از عبارات مضمونی اولیه «احقاق حق و اعلان موجودیت»، «افزایش آگاهی و مهارت» «تأثیر مثبت در روحیه و رهایی از افسردگی» «امید به آینده»، به ترتیب خواهد آمد.

نقل قول‌های مشارکت کنندگان زیر نشان می‌دهد که تحصیل در دانشگاه وسیله‌ای است که حقوق از دست‌رفته آنان را برمی‌گرداند و موجب نجات از فراموش‌شدگی می‌شود:

«تحصیل در دانشگاه این امکان را به من می‌دهد که اگر به مقام و منصبی رسیدم؛

بتوانم حقوق از دست‌رفته معلولان را بگیرم»

«حالا که تحصیل می‌کنیم؛ همین‌طوری جامعه ما را تحویل نمی‌گیرد و به کلی

فراموش شده‌ایم. باید خودمان را نشان دهیم»

«می‌خواهم که توانایی‌هایم را همه ببیند و همیشه در چشم باشم»

نقل قول‌های زیر در این راستا است که تحصیل در دانشگاه برای دانشجویان معلول، ارزش افزوده ایجاد می‌کند:

«به خاطر شغل وارد دانشگاه و ادامه تحصیل نشده‌ام؛ بلکه هدفم بالا رفتن آگاهی

و استفاده از تجربیات اساتید است؛ تا بهتر و با مهارت بالا زندگی خود را ادامه

بدهم. با وجود شرایط جسمی سختی که دارم در همه کلاس‌ها شرکت می‌کنم.

وقت صرف شده در دانشگاه برایم مهم است و سعی می‌کنم از تک‌تک لحظاتم

استفاده کنم»

«در امر تحصیل مدرک برایم ارزشی ندارد و بیشتر به دنبال تجربه اساتید بودم؛

چراکه کتاب را می‌شود همه‌جا خواند و مطالب را یاد گرفت».

تعدادی از مشارکت‌کنندگان نیز گفتند که بودن در دانشگاه موجب تزریق روحیه مثبت به آنان و همچنین در امان ماندن از افسردگی شده است.

«زمانی که درس می‌خوانم، غرقش می‌شوم. حتی زمان هم به سرعت می‌گذرد و

حس خوبی دارم و اعتماد به‌نفسم با درس خواندن بالا می‌رود».

«تحصیل بستری فراهم کرده است تا به‌واسطه آن وارد جامعه بشوم و از طرد و

افسردگی دور باشم».

«همیشه می‌ترسیدم که تو دانشگاه، نگاه‌ها و حرف‌ها، مرا ناراحت کند. برای

همین در ادامه تحصیل برای دانشگاه مردد بودم. ولی خدا رو شکر، از وقتی ادامه

تحصیل می‌دهم و در فعالیت جامعه شرکت می‌کنم کلی روحیه‌ام بالا رفته است».

دانشجویان معلول جسمی - حرکتی، علی‌رغم تحمل چالش‌های بی‌شمار، ادامه تحصیل در دانشگاه را نقطه عطف زندگی خود می‌دانند و با تحصیل، به آینده خود امیدوار هستند.

تجارب زیسته دانشجویان معلول جسمی - حرکتی، از ...؛ طهماسبزاده شیخلار و همکاران | ۶۳

«شش بار پایم را عمل جراحی کرده‌ام؛ ولی هر بار اراده کرده‌ام که باید تحصیل را دانشگاه ادامه بدهم».

«خیلی مطمئنم که موفق خواهم شد و بهترین شغل را خواهم داشت و معلولیتیم برایم محدودیتی ندارد».

«من به ادامه تحصیل امیدوارم و مطمئنم که موفق خواهم شد. این قدرت را در خود می‌بینم و همچنین اطرافیانم به این موضوع واقف هستند».

«امید به موفقیت را دارم و می‌دانم که همیشه نمره بیست کلاس بوده، هستم و خواهم بود».

انگیزه بیرونی: تعدادی از مشارکت‌کنندگان، اعتقاد داشتند که تحصیل در دانشگاه می‌تواند منجر به پاداش برای آنان شود؛ بدین وسیله می‌توانند کیفیت زندگی خود را از لحاظ رفاهی بالا ببرند. عبارات مضمونی اولیه «رسیدن به شغل مناسب»، «سودای سفر به خارج از کشور» از درون این مضمون فرعی بیرون آمد.

به‌زعم دانشجویان معلول جسمی - حرکتی، معلولان به دلیل محدودیت‌های جسمی و حرکتی، انجام کارهای فیزیکی برای آنان سخت است؛ بدین جهت تحصیل در دانشگاه را انتخاب می‌کنند تا بلکه به اهداف خود برسند.

«قبول کرده‌ام که توانایی جسمی من کم است و بالاخره معلول هستم و نمی‌توانم کارگری کنم. به همین خاطر تحصیل در دانشگاه را انتخاب کردم».

«خود را موظف به ادامه تحصیل می‌دانم تا از طریق آن سرکار بروم و به آرزوهایم برسم».

همچنین مرور داده‌ها نشان داد، برخی از دانشجویان، تحصیل در دانشگاه را نردبان رسیدن به کشورهای دیگر می‌دانند:

«عشق رفتن به خارج را داشتم و می‌خواستم از مملکت خارج شوم به همین خاطر تحصیل را انتخاب کردم».

«معلولان در خارج علاوه بر مزایای آموزش، بیمه و یک حقوق پایه دارند که

کفاف نیازهای اولیه را می‌کند من هم می‌خواهم از ایران بروم». «نسبت به کشورهای اروپایی، معلولین در ایران صفراند».

موانع دسترسی پذیری

قابلیت دسترسی^۱ برای معلولان، نه تنها حق اساسی آن‌ها است، بلکه تضمینی است که معلولان را قادر می‌سازد تا همه حقوق و آزادی‌های اساسی خود را به دست آورند و بتوانند مشارکت کاملی در جامعه و با شرایط یکسان با دیگران داشته باشند. دانشجویان معلول باید به تمام امکانات، فرصت‌ها، فضا و برنامه‌های آموزشی دسترسی داشته باشند. بررسی داده‌ها در این بخش نشان داد که در دسترس‌ترین نیازهای روزمره دانشجویان عادی در برخی دانشگاه‌ها، برای دانشجویان معلول جسمی - حرکتی به چالشی بزرگ تبدیل شده است. مضمون‌های «تردد پذیری سخت»، «محیط دانشگاهی معلول‌کننده» و مضمون فرعی بودند که در این بخش بدست آمد.

تردد پذیری سخت

مشارکت‌کنندگان در این بخش از تجربه‌های خود در مواجهه با چالش‌های تردد به دانشگاه گفتند. عبارات مضمونی اولیه «نبود سرویس ویژه» و «هزینه رفت و آمد» در این بخش از یافته‌ها، به دست آمد.

با توجه به شرایط جسمی دانشجویان معلول جسمی حرکتی، رفت و آمد آنان به دانشگاه، چندان آسان نبود. تعداد زیادی از دانشجویان، نبود سرویس ویژه برای حمل دانشجویان معلول را، اولین محدودیت پیش روی خود عنوان کردند:

«فاصله خوابگاه تا دانشکده زیاد بود و من نمی‌توانستم مثل سایر دانشجویان سالم، از اتوبوس عادی استفاده کنم؛ و از طرف دیگر پول تاکسی را هم نداشتم؛ به همین علت فاصله بین کلاس صبح تا عصر را در دانشکده می‌ماندم»
«نبود ماشین مناسب خودم خیلی مشکلات را برای من به وجود آورد».

تجارب زیسته دانشجویان معلول جسمی - حرکتی، از ...؛ طهماسبزاده شیخلار و همکاران | ۶۵

«به خاطر ضعف پاهایم نمی توانستم سوار ون یا اتوبوس دانشجویی بشوم. بالا رفتن از آن‌ها برای من معلول سخت بود»
«حق تحصیل، از خیلی از دانشجویان معلول، به خاطر نبود سرویس ایاب ذهاب گرفته شده است»
«کاش سرویس مخصوصی بود تا رفت و آمدم به دانشگاه با مشکل مواجه نمی شد»

همچنین، دغدغه پرداخت هزینه جابجایی، یکی از محدودیت‌های مشارکت کنندگان بود. وسیله حمل و نقل عمومی که بتواند هزینه‌های کرایه را کاهش بدهد برای دانشجویان معلولان وجود ندارد. آنان اعتقاد داشتند در این مورد مظلوم به تمام معنا هستند:

«در بحث جابجایی واقعاً مظلوم واقع شده‌ام؛ از عهده هزینه آژانس و تاکسی دربیست نمی توانم بر بیایم»
«هزینه زیادی از بابت کرایه متحمل می شوم؛ بعضی راننده‌های ماشین‌های عادی و تاکسی علی‌رغم دادن کرایه اضافی؛ باز هم از سوار کردن من خودداری می کنند»
«به خاطر شرایط جسمی ام نمی توانم از وسایل عمومی استفاده کنم و آژانس هم هزینه زیادی دارد»

محیط دانشگاهی معلول کننده: یکی از داغ‌ترین بحث‌های صورت گرفته در مصاحبه‌ها، گلایه‌های دانشجویان معلول، در رابطه با فضای فیزیکی نامناسب دانشگاه بود. طی سالیان اخیر، اقداماتی در جهت اصلاح و مناسب‌سازی محیط فیزیکی دانشگاه‌ها صورت پذیرفته است؛ ولی با این حال، تجربه دانشجویان معلول حاکی از آن است که چالش‌های مناسب‌سازی همچنان پابرجاست و برای مشارکت این طیف از دانشجویان، یک سد بزرگ محسوب می شود. می شود گفت که مناسب‌سازی ظاهر سخت دارد ولی در حقیقت اساسی‌ترین عنصر ارتباط افراد معلول با متن جامعه است. در ادامه هر یک عبارات مضمونی اولیه «وجود موانع جلوی ورودی‌ها»، «چالش رمپ»، «مشکل سرویس بهداشتی»، «عدم دسترسی به سایر کلاس‌ها» و «عدم دسترسی به سایر ساختمان‌ها»، «پله‌های آزاردهنده»، «چالش آسانسور»، «نامناسب بودن صندلی» بررسی می شود.

ورودی درب دانشگاه و ساختمان‌های دانشکده، مناسب حال دانشجویان معلول نبود. «ورودی دانشکده‌ها مناسب نیست؛ درها مشکل دارد و ویلچر نمی‌تواند تردد کند» «ورودی دانشکده نباید مانع داشته باشد چون برای ویلچری و واکر خوب نیست. خوبه که دوستان حمایت می‌کردند و گرنه امکانات ضعیف است» «جایی که تاکسی نگه می‌داشت با ورودی دانشکده فاصله زیادی داشت؛ و اکثراً جلوی دانشکده را زنجیر بسته بودند که تاکسی جلوتر نرود»

چالش رمپ، یکی دیگر از دلمشغولی‌های عمده دانشجویان معلول بود. نقل قول‌های زیر نشان می‌دهند که رمپ‌های ایجادشده در ساختمان‌های دانشگاه، صرفاً برای رفع تکلیف ایجادشده و استاندارد نیستند:

«من دانشجوی ویلچری هستم. ساختمان مرکزی دانشگاه، به‌نوعی قلب دانشگاه است. آیا راهی برای ورود ویلچر به آنجا هست؟ رمپ آنجا یک شیب معقولی ندارد؛ برای یک ویلچری معمولی، چند نفر آدم می‌خواهد؛ چه برسد به من که در حرکت کل بدنم مشکل دارم. در اوایل دانشگاه هیچ‌جا مناسب‌سازی نداشت. با اصرار من و دوستانم یک رمپ متحرک غیراصولی ساختند»

«بعضی جاها رمپ داشت ولی متأسفانه آن‌ها اصولی درست نکرده بودند. شیب رمپ‌ها نامناسب بود. آدم از پله استفاده کند بهتر است. در کل تو دانشگاه پله زیاده و من خیلی اذیت شدم»

«رمپ شیب نامناسب داشت و همیشه باید به هم کمک می‌کردند تا از آن بالا بروم»

«وجود رمپ‌های با شیب غیراستاندارد که بدون همراهی دیگران عبور از آن خطرناک است».

«دانشگاه من رمپ نداشت؛ به همین خاطر مجبور بودم با پدرم به دانشگاه بروم ولی به اصرار من رمپ کار گذاشتند»

«سرویس بهداشتی و سالن اجتماعات طبقه دوم بود و معلوم است که من ...»

«سرویس بهداشتی طبقه بالاست و کلاً برای من مشکل بود»

«چون در مناسب نداشت، ویلچر نمی‌توانست به سرویس بهداشتی برود. سرویس

فرنگی هم که کلاً نبود»

«باوجود ابلاغیه تیرماه ۹۱ به دانشگاه‌ها در خصوص مناسب‌سازی دانشگاه‌ها برای

معلولین. نبود سرویس فرنگی متأسفانه مشکل من بود»

«نیازهای اساسی سرویس بهداشتی، آسانسور و ... تأمین بشود تا تمرکزمان به

خاطر استرس برای رفع این مشکلات از بین نرود»

«وضعیت سرویس بهداشتی برای من ویلچری خیلی نامناسبه».

«چون همسر رئیس دانشکده ما معلولیت داشت و داخل دانشکده تدریس

می‌کرد رمپ و آسانسور بد نبود ولی سرویس بهداشتی اصلاً برای معلولان

دانشجو مناسب نبودند».

در قسمت دیگری از توصیف تجارب مشارکت‌کنندگان، چالش عدم دسترسی

به سایر کلاس‌ها و مکان‌های آموزشی به دست آمد:

«در دوران کارشناسی چون کلاس‌ها طبقه سوم برگزار می‌شد، من مجبور بودم

همیشه دو ساعت زودتر به دانشگاه بروم که بتوانم از پله‌ها بالا برم»

«کلاس‌هایی می‌بایست در کارگاه تشکیل می‌شد. کارگاه‌ها هم که در طبقات

بالایی هست و من نمی‌توانستم در این کلاس‌ها شرکت کنم. باوجوداینکه

هزینه‌اش هم پرداخت می‌کردم»

همچنین نقل قول‌هایی در مصاحبه‌ها ردوبدل شد که نشان می‌دهد برخی دانشجویان معلول،

به سایر ساختمان‌های دانشگاه دسترسی محدودی دارند:

«من به جز کلاس‌های طبقه پایین از هیچ برنامه‌ای که در سایر مکان‌ها برگزار می-

شد نمی‌توانستم استفاده کنم. به خاطر اینکه کل برنامه‌ها و کلاس‌های فوق‌العاده

در طبقات بالا برگزار می‌شود»

«چندین بار برای وارد شدن به ساختمان مرکزی، راه میانبر و خاکی را انتخاب

کردم که باعث پنچری ویلچر شد»

«وقتی نیاز است که یکی از مسئولان دانشگاه را ملاقات کنم باید ساعت‌ها در

طبقه همکف منتظر او بمانم تا اگر وقت و حوصله داشت سراغ من بیاید؛ درواقع

من به سایر طبقات و ساختمان دانشگاه دسترسی ندارم».

مشکلات دانشجویان معلول در فضای دانشگاه تمامی ندارد. این بار آن‌ها از وجود پله‌های آزاردهنده شاکی بودند. نقل قول‌های زیر را بخوانید:

«دانشکده یک راه میانبر داشت که پله نداشت و ویلچر نمی‌توانست به راحتی به آنجا راه یابد. حتی با رئیس دانشگاه صحبت کردم که کلید آنجا را به من بدهند ولی در آخر ندادند.»

«از نظر پله و لیز بودن سطح زمین در زمستان مشکل داشتم»

«بالا رفتن از پله‌ها برای من یک کابوس هر روز بود»

«قسمت اداری دانشکده تا کلاس‌ها باز هم پله داشت و مجبور بودم از کسی کمک بگیرم»

برای دانشجویان معلول، وجود آسانسور سالم و مناسب یکی از امکانات مهم جابجایی آنان در محیط دانشگاه است. باین حال تجربه آن‌ها نشان‌دهنده این است که در این مورد هم وضعیت مساعد نیست:

«فقط دسترسی به طبقه همکف داشتم و برای رفتن به طبقه‌های بالاتر، چون آسانسور نداشت نمی‌توانستم بروم»

«خرابی آسانسور برای ما بحران است. دوستانی بودند که سرطانی بودند و شیمی‌درمانی داشتند؛ دکتر گفته بود که تردد در پله برای آن‌ها ضرر دارد.»

خودم هم با عصا و به سختی به طبقه ۳ رفتم و آمد می‌کردم و آسانسور خراب بود»

«کلاس‌هایی که طبقه دوم برگزار می‌شد؛ به دلیل نداشتن آسانسور نمی‌رفتم.»

در این قسمت، برخی دانشجویان از سختی‌های خود در رابطه با نامناسب بودن مبلمان کلاسی و ساختمان دانشکده گفتند:

«نکته مهم این است که ساعتی که کلاس بودم از شدت درد کمر به ستوه می‌آمدم. چراکه صندلی یا میز مناسب‌سازی شده برای من نبود»

«مگر این انتظار زیادی است که همه پله‌های دانشگاه نرده داشته باشند؛ تا بتوانم

موقع تردد تعادل خود را به وسیله آن تنظیم کنم»

تجارب زیسته دانشجویان معلول جسمی - حرکتی، از ...؛ طهماسبزاده شیخلار و همکاران | ۶۹

«نرده وزن بدن را کنترل می‌کند و کاش همه ساختمان دانشکده نرده داشت»
«در داخل کلاس فاصله بین صندلی‌ها و تخته بالاتر بود و پله می‌خورد و برای
ارائه کنفرانس باید جلوی همکلاسی‌ها از پله بالا می‌رفتم در مقابل نگاه آن‌ها این
کار برایم سخت بود با ویلچر»

هزینه تحصیلی

غفلت از تحصیل رایگان

بنا به نظر مشارکت‌کنندگان، علی‌رغم قانون رایگان تحصیل، کل شهریه دانشجویان
شهریه‌پرداز توسط بهزیستی پرداخت نمی‌شود و اداره بهزیستی در این مورد سلیقه‌ای عمل
می‌کند.

«ما که دانشجوی عادی نیستیم تا برویم حتی کارگری کنیم و هزینه شهریه و
دانشگاه را تأمین کنیم. خیلی از دوستان را می‌شناسم که به خاطر شهریه، نمی-
خواهند در دانشگاه تحصیل کنند»

«مشهودترین قانونی که در مورد ما معلولان دانشجو اجرا نمی‌شود، شهریه است.
من و دوستان معلولم از وضعیت پرداخت شهریه دانشجویی ناراضی هستیم. چون
خیلی از معلولان به خاطر همین امتیاز، وارد دانشگاه شده‌اند اما وقتی اجرا نمی‌شود
و بضاعت هم ندارند که شهریه را در وقت تعیین شده به دانشگاه پرداخت کنند،
مجبور می‌شوند انصراف بدهند»

«من دانشجوی دوره شبانه هستم. اول خودم تمام شهریه را پرداخت می‌کنم. قرار
است ۶۰ درصد از این شهریه را بهزیستی پرداخت کند؛ که الآن دو ترم هست که
ریالی به من نداده‌اند»

«کاش دانشگاه پیام نور و علمی کاربردی و شبانه‌ها هم مثل دانشگاه آزاد با یک
نامه کار رو حل می‌کردند تا کلی رفت و آمد و فاکتور بازی نمی‌شد برای چند
درصد پولی که آن‌هم در آخرش نمی‌دهند».

هزینه روزمره دانشجویی

در این بخش برخی نقل قول‌ها نشان می‌دهند که دانشجویان معلول، به دلیل بضاعت مالی محدود با چالش‌هایی مواجه هستند:

«خانواده من پول نداشتند؛ مادرم برایم سه تانان و کمی پنیر گذاشته بود. من تا چندین روز هر وعده کمی از آن می‌خوردم. ۸ هزار تومان پول داشتم ولی چون با تاکسی می‌رفتم دانشکده، می‌ترسیدم دیگر چیزی برایم نماند. تا اینکه حالم دیگه خیلی بد شد.....»

«پول خوابگاه، رزرو غذا و هزینه فیزیوتراپی در تمرکز و روحیه تحصیلی من تأثیر می‌گذارد.»

«اکثر دانشجویان معلول که آمارشان هم در دستم هست، مشکل مالی داشتند. خودم برای ماهی دو بار تفریح و وعده غذایی مشکل داشتم»

ارتباطات انسانی

یکی از امیدوارکننده‌ترین بخش از یافته‌های پژوهش حاضر، این بود که مشارکت-کنندگان، از تعاملات و ارتباطات انسانی مثبت در طول دوران تحصیل خود، خشنود بودند. در ادامه، هریک از عبارات مضمونی اولیه مضمون فرعی نقش حمایتی بررسی می‌شود. درک مثبت اساتید: شواهد گفتاری زیر نشان می‌دهد که بیشتر اساتید با اتخاذ رفتار مناسب و به‌دوراز ترحم مشمژکننده، شرایط مناسب را برای رقابت دانشجویان معلول با سایر دانشجویان فراهم می‌آورند:

«اساتید ترحم و دلسوزی نسبت به من نداشتند، بلکه نسبت به دانشجویان عادی، حتی سخت‌گیرتر هم بودند و انتظار عملکرد و نمرات بهتری از من داشتند»
«خوشبختانه فرهنگ بالا رفته و درک استاد و دانشجو خیلی بالاست و عین شاگردان عادی کلاس با من رفتار می‌کردند»

«اساتید هیچ فرقی بین من و دیگران قائل نمی‌شدند و فرصت مشارکت در بحث-های کلاسی را برای من فراهم می‌کردند»

«مطالعه و فعالیت درسی من نسبت به بقیه هم‌کلاسی‌ها بیشتر بود؛ و چون آماده

تجارب زیسته دانشجویان معلول جسمی - حرکتی، از ...؛ طهماسبزاده شیخلار و همکاران | ۷۱

می‌رفتم سر کلاس، اساتید تحسینم می‌کردند»

حمایت دلگرم‌کننده دانشجویان: حمایت امیدبخش دانشجویان همکلاسی و همسالان، از مثبت‌ترین یافته‌های گزارش شده توسط بسیاری از دانشجویان معلول در پژوهش حاضر بود:

«همکلاسی‌هایم مرا کمک می‌کردند و هیچ‌وقت بدون من جایی نمی‌رفتند و اگر قرار بود ندانسته، کلاسی در طبقات بالا برگزار شود، فوراً دست بکار می‌شدند و به خاطر شرایط من، پیگیری می‌کردند تا کلاس در طبقه پایین برگزار بشود»
«حمایت دلگرم‌کننده دوستان همکلاسی باعث می‌شد مشکل فضای نامناسب دانشگاه را کمتر حس کنم»
«به خاطر معلولیتی که داشتم دوستانم زیر بغلم را می‌گرفتند تا راه بروم»
«با اکثر همکلاسی‌ها عین خواهر برادر هستم و خیلی با آن‌ها راحت و صمیمی هستم»

حمایت خانواده: یکی از ویژگی‌هایی که در این پژوهش به دست آمد این بود که به‌زعم دانشجویان معلول، حمایت روحی روانی خانواده‌ها از آن‌ها باعث شده است که نه تنها محدودیتی برای حضور در جامعه و دانشگاه نداشته باشند، بلکه بدین وسیله می‌توانند جزو افراد موفق باشند.

«خانواده همیشه مرا تشویق به ادامه تحصیل کردند ولی اطرافیان خیر همیشه من را از درس خواندن مأیوس می‌کردند»
«خانواده‌ام به من بها دادند و با تشویق و از من خواستند تا با قدرت تحصیلات خود را ادامه بدهم»
«از لحاظ حمایت روحی و معنوی خانواده و اطرافیان ثروتمندترین آدم روی زمین هستم»

همچنین در تحلیل یافته‌های مربوط به مضمون ارتباطات انسانی، دو عبارت مضمونی اولیه ابهام اولیه و محدودیت ارتباطی کشف شد.

ابهام اولیه: یکی از جنبه‌های قابل توجه پژوهش این بود که در ابتدای ورود دانشجویان معلول به دانشگاه، برخی ابهامات و نگاه‌های معنی‌دار متوجه آن‌ها بود که به‌مرور زمان این ابهام اولیه تغییر پیدا کرد:

«همکلاسی‌ها نگاه جالبی داشتند آن‌ها بعدها به من می‌گفتند که قبلاً ذهنیت بد و ترحم‌آمیزی نسبت به افراد دارای معلولیت داشتند؛ ولی از وقتی با من آشنا شده بودند، نگرش‌شون تغییر کرده بود و این برای من لذت‌بخش بود»
«اوایل اکثر همه زیرچشمی مرا نگاه می‌کردند ولی الآن زول نمی‌زنند. احساس می‌کردند هیچ کاری از دستم بر نمی‌آید. ولی به‌مرور زمان، به خاطر اعتماد به نفس استقلال‌م تحسینم کردند»

اوایل، اساتید تعجب می‌کردند که با این شرایط سخت، ساعت‌ها در کلاس، روی ویلچر می‌نشینم. آنان نسبت به توانایی ذهنی من اطلاعی نداشتند؛ ولی به‌مرور زمان به انگیزه من پی بردند و تلاش من برای آن‌ها جالب بود»
«همیشه می‌ترسیدم که در دانشگاه، نگاه‌ها و حرف‌ها ناراحت‌کننده برای هم‌میان در تصمیم برای ادامه تحصیل مردد بودم. ولی خدا رو شکر از وقتی ادامه تحصیل می‌دهم و در تو فعالیت جامعه شرکت می‌کنم کلی روحیه بالایی دارم».

محدودیت ارتباطی: علی‌رغم نکات مثبت ذکر شده در بخش ارتباطات انسانی، گویه‌های زیر نشان‌دهنده محدود رفتارهای ناشیانه برخی عوامل دانشگاه بود:

«به مسئول خوابگاه گفتم که تخت من خراب است و برگشت به من گفت: مگر در خانه، در تخت می‌خوابی که از ما این چنین مطالبه تخت سالم را می‌کنی؟»
«سرپرست خوابگاه وقتی می‌خواست به من کمک کند تا از پله‌ها بالا بروم. وقتی دید واقعاً نمی‌توانم؛ رو به آسمان کرد و گفت ای خدا چرا همه فلج‌ها امسال این دانشگاه قبول می‌شوند».

«برخی مواقع حرف کارمندان خیلی مرا ناراحت می‌کرد».

نقش سازمانی

ایجاد زمینه بهره‌مندی حداکثری افراد دارای معلولیت، از امکانات و خدمات اجتماعی از

تجارب زیسته دانشجویان معلول جسمی - حرکتی، از ...؛ طهماسبزاده شیخلار و همکاران | ۷۳

وظایف ذاتی دولت‌ها و ارگان‌های مربوطه است. تجربه زیسته دانشجویان معلول نشان داد که برخی سازمان‌ها از اجرای قانون و لحاظ نمودن سهم معلولان در استخدام‌ها استنکاف می‌کنند.

نامید از استخدام: یافتن شغل برای دانش‌آموختگان معلول جسمی - حرکتی، به جهت محدودیت‌هایی که دارند به مراتب سخت‌تر از فارغ‌التحصیلان عادی است. آنان به جهت وضعیت جسمی و مالی که دارند، توان خوداشتغالی ضعیفی دارند؛ به همین جهت، استخدام‌های دولتی و غیردولتی را تنها روزنه امید خود می‌دانند. اکثر مشارکت‌کنندگان، از رعایت نشدن سهمیه‌ها و قوانین استخدامی معلولان ناراضی بودند.

«با اینکه در کارهای اداری توانمندی دارم؛ ولی امیدی به استخدام ندارم. پیدا کردن شغل پارتی می‌خواهد»

«خیلی امیدوار بودم و با همه‌ی سختی‌ها تمام تلاش و فکرم این بود که به دانشگاه بیایم و بعد از آن در جایی مشغول به کار شوم. ولی اکنون بعد از گذراندن آن همه سختی، وقتی خود را بیکار می‌بینم خیلی ناراحت می‌شوم که چرا آن قدر سختی را تحمل کردم»

«هیچ امیدی به استخدام ندارم چون واقعاً سن استخدامی ام می‌گذرد»
«با این وضعیت اشتغال در کشور هیچ امیدی به استخدام خود ندارم.»

غفلت دسته‌جمعی سازمانی: به زعم مشارکت‌کنندگان، مفاد قانون جامع قانون حمایت از معلولان به درستی اجرا نمی‌شود و در بخش اشتغال سازمان‌ها معلولان را دور می‌زنند. در حالی که دولت موظف به استفاده از توان معلولان در بخش‌های اجرایی است ولی این مهم اتفاق نمی‌افتد.

«ادارات از دادن حق سه درصدی سهمیه استخدامی به ما استنکاف می‌کنند»
«از بابت قانون جامع حقوق معلولان که ابلاغ هم شده ولی اجرا نمی‌شود دلم خون است»

«باید دولت و بهزیستی کاری کنند که معلولین فارغ‌التحصیل از درصد استخدامی بهره‌مند شوند»

«مسئولان خودشیرینی می‌کنند و از اسم معلولان استفاده می‌کنند و می‌گویند فلان کار را خواهیم کرد. با این وضعیت ویلچریم حتی سراغ کارخانه مس هم رفته‌ام تا شاید کاری پیدا کنم»

«درصد زیادی از قوانین راجع به معلولان دانشجو اجرا نمی‌شود چون اگر اجرا می‌شد معلولین، نسبت به افراد سالم تافته جدا بافته نمی‌شدند»

«فکر می‌کردم در آینده وضع برای ما بهتر خواهد شد و مورد پذیرش جامعه خواهیم شد و مسائل مالی را زیاد در نظر نمی‌گرفتم ولی دولت برای معلولان تدبیر نمی‌شود و روزبه‌روز تنهاتر می‌مانیم و انبوه مشکلات».

انتظارات از سازمان‌ها

داده‌های این بخش نشان داد که دانشجویان معلول، انتظاراتی از سازمان‌ها و ارگان‌ها، به ویژه سازمان بهزیستی دارند. به زعم آنان بهزیستی نتوانسته و کیل مدافع قوی باشد و در اجحاف‌هایی که در امر تحصیل به معلولان می‌شود مقصر است.

«اداره بهزیستی به خاطر ما معلولان تأسیس شده و باید به ما رسیدگی کند و باید به فکر تحصیل و اشتغال ما باشد»

«سازمان‌ها همان‌طور که شرایط را برای افراد سالم مهیا کردند، افراد معلول رو هم در نظر بگیرند. اگر شرایط برای ما فراهم باشد ما هیچ محدودیتی نخواهیم داشت و این اتفاق باعث می‌شود که دیدگاه جامعه و افراد به ما عوض بشود و ما را ضعیف فرض نکنند و زمانی که معلول فارغ‌التحصیل می‌شود شغلی بگیرد تحقیرش نکنند»

«بهزیستی من رو نفرستاد که تحت نظر دکتر مغز و اعصاب باشم که بیماری پیشرفت نکنه. چون رفته‌رفته نسبت به سال‌های قبل مشکل من بیشتر میشه و عضله‌های بدنم بیشتر جمع میشه»

«حداقل کار سازمان‌ها این باشد که باهم تعامل داشته باشند و پله‌ها رو از بین ببرند و رمپ مناسب ایجاد کنند تا ما هم راحت باشیم و این انصاف نیست که ما به خاطر یک پله ساده نرویم دانشگاه».

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، توصیف و فهم تجارب زیسته دانشجویان معلول جسمی - حرکتی، از مشارکت در آموزش فراگیر، است. اولین مضمون اصلی ظهور یافته از داده‌ها، معنای تحصیل بود. وجود کشش درونی فراوان برای نیل به اثبات توانمندی‌ها و کسب موفقیت در دانشجویان معلول جسمی - حرکتی پژوهش حاضر مشهود بود. دانشجویانی که دلایل درونی بیشتری برای رفتن به دانشگاه دارند، از نظر آکادمیک دارای استعداد بیشتری هستند و همچنین با رسیدن به دانشگاه، سازگاری بالاتری از خود نشان می‌دهند و نمرات بالاتری را گزارش می‌دهند (کنت، رید و استوارت^۱ ۲۰۱۳). در مطابقت با یافته‌های پژوهش حاضر، دانشجویان معلول پژوهش کوناث و متیو (۲۰۱۹) اعلام کردند که آموزش فراگیر به آن‌ها کمک می‌کند تا در حوادث روزمره زندگی اعتمادبه‌نفس و استقلال پیدا کنند. نتایج تحقیق رید، کنت و اموند^۲ (۲۰۱۵) نشان داد که، دانشجویان معلول سال اول، بیشتر با توجه به دلایل درونی (به‌عنوان مثال به دلیل چالش آن، دوست داشتن یادگیری)، به دانشگاه می‌روند و از مهارت علمی و خودکارآمدی بالاتری برخوردار هستند و همچنین دانشجویان معلولی که برای کسب شغل بهتر دانشگاه را انتخاب می‌کنند، از خودکارآمدی تحصیلی بالاتری برخوردارند.

از نتایج حاصل‌شده در این بخش از پژوهش حاضر، چنین استنباط می‌شود که دانشجویان معلول، دانشگاه را به‌عنوان جایی در نظر می‌گیرند که موجب خلق قدرت فردی، عزت‌نفس، هدف‌داری در زندگی، رهایی از تنهایی و احساس امید در آنان می‌شود. در تفسیر این مطلب باید گفت که دانشجویان معلول به جهت شرایط جسمی خاص خود، در خیلی از موارد، حرف‌های ناگفته فراوانی دارند. چه‌بسا اتفاقات و تجربیات زندگی، آنان را متقاعد می‌کند که باید راه تحصیل در دانشگاه را انتخاب کنند.

علاوه بر این دانشجویان مشارکت‌کننده، تحصیل در دانشگاه را به‌عنوان فرصتی برای

-
1. Kennett, Reed & Stuart
 2. Reed, Kennett, & Emond

رسیدن به شغل و درآمد و همچنین نردبانی برای مهاجرت از کشور قلمداد کردند. همسو با نتایج پژوهش حاضر، اوپینی^۱، (۲۰۱۲) به این نتیجه رسید که استقلال مالی؛ تحقق رؤیاهای فردی؛ آموزش به‌عنوان گزینه بهتر؛ کسب اعتبار؛ و تأثیر قابل توجه بر دیگران از جمله انگیزه‌های حضور دانشجویان معلول در دانشگاه بود. در خصوص انگیزه سفر به خارج کشور، می‌توان دلایل مختلفی را ذکر کرد. چه بسا وضعیت رفاهی، میزان و نحوه اجرای حقوق معلولان در کشور و از سوی دیگر اخبار رسیده از رعایت حقوق دانشجویان معلول در سایر کشورها، آنان را وادار به مقایسه دو وضعیت می‌کند.

مضمون اصلی به‌دست‌آمده دیگر موانع دسترس‌پذیری و دو مضمون فرعی آن، تردیدپذیری سخت و محیط دانشگاهی معلول‌کننده بود. نتایج مؤید این نکته است که الزامات مدل اجتماعی معلولیت و به‌تبع آن آموزش فراگیر، حداقل در این حوزه، از سوی دانشگاه‌ها رعایت نمی‌شود. اولین مضمون فرعی، نشان‌دهنده چالش‌های رفت‌وآمد دانشجویان در رابطه با سرویس ویژه و تأمین کرایه بود. رفت‌وآمد آسان و امن برای آنان فراهم نیست و نمی‌توانند از وسایل حمل‌ونقل عمومی استفاده کنند.

بحث‌انگیزترین مضمون این پژوهش، محیط دانشگاهی معلول‌کننده بود. وضعیت نامناسب رمپ‌ها، پله‌ها، خرابی و در حال تعمیر بودن آسانسورها، سرویس بهداشتی، عدم دسترسی به سایر کلاس‌ها و ساختمان‌ها از جمله موانع مدنظر دانشجویان معلول بود؛ که به‌شدت استقلال و حریم خصوصی آنان را تهدید می‌کرد. آنان برای مشارکت در آموزش فراگیر، سد بزرگی به نام عدم مناسب‌سازی را پیش روی خود دارند. طبق نظر کیمبال، ولز، آستیگویی، مانلی و لاتریج^۲ (۲۰۱۶) شاید متداول‌ترین مثال معلولیت به‌عنوان ساخت اجتماعی، این باشد که هنگامی که در طراحی بنا، دسترسی معلولان در نظر گرفته نمی‌شود، در نتیجه افرادی که از صندلی‌های چرخ‌دار استفاده می‌کنند، در ورود به ساختمان مشکل خواهند داشت. نتایج به‌دست‌آمده در این بخش با پژوهش ایرانیان فرهودیان، سلیمانی‌نیا، غریب، فرهادی و صادقی (۱۳۹۲) همسو می‌باشد؛ چراکه برخی دانشجویان شرکت‌کننده

1. Opini

2. Kimball, Wells, Ostiguy, Manly, & Lauterbach

تحقیق ذکرشده، اعلام کردند که با ورود به دانشگاه، حقوق آموزشی معلولان رعایت نمی‌شود. آنان از وضعیت نامناسب ساختمان‌ها، پله‌ها و آسانسور هم گلایه داشتند. هم‌راستا به پژوهش حاضر، دانشجویان معلول پژوهش یوسف و همکاران^۱ (۲۰۱۹)، دسترسی به ساختمان‌های دانشگاه را دغدغه اصلی خود عنوان کردند. در پژوهش همسویی دیگر، دانشجویان معلول از موانع معماری دانشگاه شکایت داشتند. حتی یکی از دانشجویان معلول پژوهش استرانوا، هاجکوا و کوتنوا (۲۰۱۵) گفته بود: «من آن قدر خوش‌شانس هستم که همکلاسی‌هایم می‌توانند مرا حمل کنند، در غیر این صورت مطمئن نیستم که چگونه می‌توانم به توالت‌های این دانشگاه دسترسی پیدا کنم». در پژوهش هم‌راستای دیگر، همه دانشجویان معلول مشارکت‌کننده در پژوهش ولاچو و پاپانانو (۲۰۱۸) اظهار داشتند که دانشگاه‌ها در تأمین نیازهای آن‌ها از نظر دسترسی فیزیکی، تحرک و زندگی دانشگاهی، ناتوان هستند. به‌ویژه در مورد آسانسورهای نامناسب، پله‌ها و روشنایی، عدم وجود رمپ و توالت‌های قابل دسترسی با ویلچر، نارضایتی، فراوان بود. شرکت‌کنندگان در مطالعه میلیک باییک و داوولینگ (۲۰۱۵) هم از عدم دسترسی فیزیکی به دانشکده‌ها اعم از توالت‌های مناسب ویلچر نشین‌ها، خوابگاه‌ها و سایر محل‌های اقامت دانشجویان گله‌مند بودند. کوناث و متیو (۲۰۱۹) هم در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که دسترسی‌پذیری به فضاها، بزرگ‌ترین چالش پیش روی دانشجویان معلول است.

در تفسیری دیگر از مضمون محیط فیزیکی ناتوان‌کننده، باید گفت که دانشجویان معلول، اغلب حضور پررنگی در برنامه‌های فوق‌العاده دانشگاه و فعالیت‌های هنری، فرهنگی، ورزشی ندارند؛ زیرا امکانات عمومی برای افراد سالم تعریف شده است. در برخی موارد دانشجویان معلول برای ساعت‌ها در کلاس ماندگار می‌شوند و یا اگر قصد رفتن به جایی را داشته باشند باید با همراهی دیگران باشد. اینجاست که می‌توانیم تأثیر منفی برنامه درسی پنهان^۲ را متذکر شویم. برنامه درسی پنهان آن نوع برنامه درسی است که جزو برنامه درسی رسمی نیست و از دید دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت نیز پنهان است ولی در

1. Yusof, Chan, Hillaluddin, Ahmad Ramli, & Mat Saad

2. Hidden Curriculum

فکر و رفتار و عواطف فراگیر اثر می‌گذارد و حتی در پاره‌ای از اوقات، برنامه درسی رسمی را زائل می‌کند ملکی (۱۳۹۴). سخنگویان برنامه درسی پنهان، چندین مؤلفه را برای این سازه ذکر کرده‌اند که بعد فیزیکی فضای آموزشی یکی از آنهاست. در این مؤلفه، محوطه، فضای سبز، ساختمان‌های آموزشی و به‌طور کلی ساختار فیزیکی مکان آموزش می‌تواند تصورات خاصی را به ذهن فراگیران القا کند. مهرا، ساکتی، مسعودی و مهر محمدی (۱۳۸۵) در تحقیق خود نشان داد که مکان فیزیکی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان در کاهش هویت علمی دانشجویان نقش دارد. اگر انتظارات و نگرش دانشجویان معلول، نسبت به دانشگاه تغییر می‌کند. چه‌بسا موجی از احساس سرخوردگی و از دست رفتن بهزیستی تحصیلی و استقلال فردی به سراغ آنان بیاید. می‌توان متصور شد که غیبت‌های متعدد و درنهایت ترک تحصیل دانشجویان دارای معلولیت، ره‌آورد استمرار چنین وضعیتی خواهد بود. در این باره معنوی (۱۳۹۹) می‌گوید: «چندی قبل مددجوی جوانی به علت سردرد و اضطراب به من مراجعه کرد و وقتی دلیل آن را پرسیدم، معلوم شد که در رشته مترجمی زبان دانشگاه قبول شده، اما چون دانشگاه پله داشته، از ادامه تحصیل منصرف شده است. واقعاً نمی‌دانستم به او چه بگویم، این مسائل تأسف‌آور است و حیف است معلولان از تحصیل باز بمانند». یکی دیگر از خطرات محیط نامناسب دانشگاه می‌تواند این باشد که دانشجوی معلول دچار روزمرگی می‌شود. موانع فیزیکی و محدودیت در خارج شدن از محیط کلاس و دانشکده باعث می‌شود که زمان‌های استراحت نتواند کلاس را ترک کند. اگر برود، استراحت و آرامش به فشار تبدیل می‌شود، چراکه در راه بازگشت دوباره به کلاس، دچار مشقت‌های فراوان خواهد شد.

مضمون اصلی به‌دست آمده دیگر، هزینه تحصیلی بود. طبق ماده ۹ قانون حقوق افراد دارای معلولیت نیازمند واجد شرایط، در سنین مختلف می‌توانند با معرفی سازمان بهزیستی، از آموزش عالی رایگان در واحدهای آموزشی تابعه وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاه‌های دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی و سایر مراکز آموزش عالی غیردولتی از محل ردیف مربوطه در

بودجه سنواتی بهره‌مند گردند (قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت، ۱۳۹۷) باین حال، بررسی تجارب دانشجویان معلول نشان داد که در این مورد حقوق آنان نادیده انگاشته می‌شود. پرداخت شهریه دانشجویان معلول به دانشگاه‌ها پس از این همه‌سال هنوز تاریخ قطعی و مشخصی ندارد، هماهنگی با دانشگاه‌ها (به‌جز دانشگاه آزاد اسلامی) در همکاری با دانشجویان معلول هنوز از ساختار واحدی برخوردار نیست؛ برخی دانشگاه‌ها در ابتدای هر ترم برای دریافت شهریه، مجوز انتخاب واحد دانشجویان را گرو می‌گیرند، هنوز گزارش‌هایی از برخوردهای حاکی از تخریب شأن و شخصیت دانشجویان معلول توسط کادر دانشگاه‌ها گزارش می‌شود. (مردم‌سالاری، ۱۳۹۹). لازم به ذکر است یکی از عوامل ترغیب دانشجویان معلول به حضور در دانشگاه، همین رایگان بودن شهریه است. در صورت عدم اجرای قانون تحصیل رایگان، چه‌بسا بسیاری از دانشجویان معلول به خاطر شرایط شغلی و درآمدی خود، گزینه ترک تحصیل را انتخاب کنند. در جمع‌بندی این بخش باید گفت که یکی از اصول و ابعاد اصلی مشارکت معلولان، مناسب‌سازی است که بایستی راهگشای سایر نیازهای معلولان باشد، ولی مشخص است که از سوی دانشگاه مورد غفلت واقع شده است.

مضمون اصلی دیگر ارتباطات انسانی بود. وجود جو ارتباطی و عاطفی قوی و منطقی و به‌دوراز احساسات مضر، از ویژگی‌های اساسی این تحقیق بود. افراد معلول، باوجود داشتن محدودیت‌های خاص، از حیث شئون انسانی و ویژگی‌های روان‌شناختی همانند سایر افراد هستند و همان تفاوت‌های فردی که در میان دیگر افراد وجود دارد، درباره این گروه نیز صدق می‌کند. آنان علاقه‌مند هستند که با دیگران ارتباط معقولی داشته باشند. در پژوهش حاضر، دوری از احساس ترحم آزاردهنده، درک مثبت اساتید از وضعیت جسمی و روحی و نقش تسهیل‌گری آنان برای دانشجویان معلول، به‌وضوح آشکار بود. نتایج یافته‌های خسروی‌تپه، راهب‌عرشی، اقلیما (۱۳۹۴) نشان داد بین خرده‌مقیاس‌های حمایت اجتماعی (حمایت اجتماعی دوستان، خانواده و دیگران با مؤلفه‌های روانی (آسایش روانی و خودپنداری) و مؤلفه‌های اجتماعی (روابط اجتماعی و روابط فامیلی) کیفیت زندگی در

معلولین جسمی-حرکتی، رابطه مثبت معناداری وجود دارد میلیک باییک و داوولینگ (۲۰۱۵) اظهار داشتند که رفتار اساتید با دانشجویان معلول و دانشجویان عادی به یک اندازه است و به توانایی‌های آن‌ها احترام می‌گذارند.

معلولین جسمی-حرکتی به دلیل شرایط خاص خود نیاز ویژه‌ای به حمایت اجتماعی اطرافیان دارند که این می‌تواند شرایط زندگی و کیفیت زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد (بوند^۱، ۲۰۰۷). در مطابقت با یافته‌های پژوهش حاضر، سترانوا، هاجکوا و کوتنوا، ۲۰۱۵؛ ولاچو و پاپانانو؛ ۲۰۱۸؛ میلیک باییک و داوولینگ، ۲۰۱۵ و نشان دادند که دانشجویان معلول از حمایت خانواده و همکلاسی‌ها برخوردار هستند تا جایی که در برخی موارد که دانشجویان معلول که امکان حضور در برخی کلاس‌ها را نداشتند، بعدها این همکلاسی‌ها بودند که کمک می‌کردند و درس را به صورت خصوصی برای دانشجوی معلول توضیح می‌دادند. در پژوهش کوناث و متیو، (۲۰۱۹) هم حمایت همکلاسی‌ها از دانشجویان معلول در جنبه‌های مختلف، مثبت‌ترین رخداد محیط آموزش بود. در مغایرت با یافته‌های پژوهش حاضر، هاجیکاکو، پلی‌کارپو و هاجیلا^۲، (۲۰۱۰) نشان دادند که کمبود کمبود آگاهی و حتی نگرش‌های تبعیض‌آمیز، برخی از تجربیاتی است که دانشجویان معلول در مواجهه با همسالان بدون معلولیت دانشگاه خود داشتند.

یافته‌های این بخش نشان داد که حضور دانشجویان معلول در آموزش عالی فرصتی برای رشد و توسعه همه افراد از طریق تنوع‌بخشی فراهم می‌کند. گفته می‌شود که معلولان با چالش‌انگ^۳ مواجه هستند. این برچسب، معلولان را از سایر افراد جامعه جدا می‌کند و طور کلی افرادی متفاوت از جامعه پنداشته می‌شوند. نگاه گذرا به نقل قول‌های مستخرج در مضمون ابهام اولیه نشان می‌دهد، در اوایل، سایر دانشجویان عادی درباره نحوه رفتار با یک دانشجوی معلول ابهام داشتند ولی پس از همراه شدن با دانشجوی معلول، خیلی از نگرش‌های اولیه تغییر پیدا می‌کند. در مطابقت با یافته پژوهش حاضر، یکی از دانشجویان

-
1. Bond
 2. Hadjikakou, Polycarpou, & Hadjilia
 3. Stigma

تجارب زیسته دانشجویان معلول جسمی - حرکتی، از ...؛ طهماسبزاده شیخلار و همکاران | ۸۱

معلول شرکت کننده در پژوهش میلپک بایک و داوولینگ (۲۰۱۵) گفت: وقتی اولین سال تحصیلی من شروع شد، دانشجویان دیگر به طرز عجیبی به من نگاه می کردند، عجیب رفتار می کردند، نمی دانستند چه باید بکنند، اما اکنون آن ها آرام هستند زیرا اکثریت قریب به اتفاق آن ها تا زمانی که من را ندیده بودند، فرصت ملاقات با یک فرد معلول را نداشتند

نتایج در بخش مضمون نقش سازمانی نشان داد، اقدامات انجام شده دستگاه های متولی در تأمین نیازهای دانشجویان معلول؛ چه بر اساس آنچه قانون برای دستگاه های مختلف مشخص کرده و چه از منظر انتظاراتی که خود معلولان دارند، چندان چشمگیر نبوده و نیست. یعنی کفه ترازوی کم کاری ها بسیار سنگین تر از اقداماتی است که انجام داده اند. حمایت از حقوق معلولان با ۳۴ ماده و ۲۹ تبصره در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷ توسط رئیس مجلس شورای اسلامی برای اجرا به رئیس جمهوری ابلاغ شد که در مواد قانونی آن به بحث مناسب سازی، دسترس پذیری و تردد و تحرک معلولان، ارائه خدمات بهداشتی، آموزش، اشتغال و ... پرداخته شده است. بیش از دو سال از اجرایی شدن این قانون می گذرد، اما گفته ها و اظهارات معلولان و فعالان مدنی معلولان نشان می دهد که هنوز برخی دستگاه ها در عمل به وظایف قانونی خود ضعیف عمل کرده اند.

قانون حمایت از حقوق معلولان به شکل کامل اجرا نشده است (رجبی، ۱۳۹۹). بیکاری مهم ترین مشکل افراد دارای معلولیت است و ۸۸۷ هزار نفر از معلولان در ایران بیکارند (هادی پور، ۱۳۹۹). درد مشترک معلولان ایران، مهیا نبودن بسترهای مناسب شغلی است (موسوی، ۱۳۹۹). ماده ۷ قانون حقوق معلولان، سهمیه سه درصدی را به معلولان اختصاص داده است ولی در عمل اجرا نمی شود. دانشجویان معلول پژوهش حاضر، علی رغم تحمل سختی های فراوان برای رسیدن به دانشگاه، به واسطه کمبود حمایت سازمانی، از امید به استخدام کمتری برخوردار هستند. این در حالی است که پژوهشگران داخلی دستیار و محمدی (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیدند که بین سطح تحصیلات و توانمندسازی معلولان جسمی تفاوت معناداری وجود دارد. افراد با تحصیلات بیشتر، میانگین توانمندی بیشتری دارند. تسهیلات شغلی برای معلولان وجود ندارد؛ سازمان بهزیستی بانک اطلاعاتی از

توانایی‌های معلولان داشته باشد (توان نامه، ۱۳۹۴). در راستای یافته‌های پژوهش حاضر، بیشتر دانشجویان معلول پژوهش کوناث و متیو (۲۰۱۹) هم منتظر استخدام بودند. در جمع‌بندی نتایج کلی پژوهش خاطر نشان می‌شود که شواهد اندکی از به کارگیری الزامات مدل اجتماعی معلولیت و آموزش فراگیر در دانشگاه‌های ایران وجود دارد. در این بحبوحه، وجود انگیزه درونی و حمایت دلگرم‌کننده همسالان و رفتار منطقی اساتید باعث می‌شود که دانشجویان معلول همچنان به راه خود ادامه دهند. در ادامه، پژوهش حاضر، با مورد توجه قرار دادن تجارب دانشجویان معلول جسمی - حرکتی، پیشنهادهای کاربردی ذیل را ارائه می‌نماید. - دانشگاه‌های کشور و مراکز آموزش عالی موظف‌اند در پاسخ به الزام‌های صریح قانونی و بدون نگاه خیریه‌ای مناسب‌سازی ساختمان‌ها و فضاهای عمومی را آغاز کنند و به اتمام رسانند. ۳- نیاز است که تدابیر لازم جهت تأمین سرویس‌های ویژه ایاب ذهاب دانشجویان معلول انجام پذیرد ۴- سرویس‌های بهداشتی در همه طبقات ساختمان‌ها تعبیه شود و باید فضایی برای چرخش ویلچر در آن در نظر گرفته شود. ۵- تمامی فضاها بر اساس اصل طراحی جهانی بنا شوند تا همه محیط‌ها برای دانشجویان معلول در دسترس باشند. ۶- سازمان بهزیستی به‌عنوان متولی امور معلولان، در توزیع امکانات جامعه و در چانه‌زنی برای رفع مشکلات استخدامی معلولان جدیت بیشتری داشته باشد. ۷- در وزارت علوم شاخص‌های مناسب‌سازی تعیین گردد و در معیارهای ارزیابی دانشگاه‌ها گنجانده شود.

از محدودیت‌های پژوهش این بود که پژوهش مشابه داخلی، برای مقایسه نتایج به‌دست آمده وجود نداشت. محدودیت دیگری که فقدان آن محسوس بود، نبود بانک اطلاعاتی جامع در حوزه آمار و تعداد دانشجویان معلول است. از لحاظ پژوهشی، تحصیل دانشجویان معلول در سطح آموزش عالی، یک گزینه مغفول است. لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌گران علاقه‌مند به این حوزه پژوهشی، با استفاده از رویکردهای تحقیق ترکیبی و رویکردهای کیفی پدیدارشناسی و اتنوگرافی، تحصیل دانشجویان معلول جسمی حرکتی از زوایای گوناگون به تصویر بکشند. همچنین با مبنا قرار دادن دستاوردهای پژوهش

تجارب زیسته دانشجویان معلول جسمی - حرکتی، از ...؛ طهماسبزاده شیخلار و همکاران | ۸۳

حاضر، ابزارهای سنجش و پرسشنامه‌هایی طراحی شود و سپس با استفاده از رویکرد کمی، دانشجویان معلول جسمی - حرکتی کل کشور در تحقیق مشارکت داده شوند. همچنین در آخر پیشنهاد می‌شود تا نظرات افراد صاحب‌نظر و متخصص در حوزه معلولان و آموزش عالی، راجع به راهکارهای مناسب‌سازی منابع و مواد آموزشی و محیط فیزیکی اخذ شود.





تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

سپاسگزاری

از همه دانشجویان معلول جسمی - حرکتی که در این پژوهش مشارکت کردند، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

ORCID

Davoud Tahmasebzadeh Sheikhlar		https://orcid.org/
Ahad Azimi Aqbolagh		https://orcid.org/
Seyyed Taher Seyyedi Nazarloo		https://orcid.org/
Syamand Ghaderi		https://orcid.org/

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش. (۱۳۹۶). *روش‌های تحقیق کیفی*. تهران: انتشارات بشری.
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۴). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- توان نامه. (۱۳۹۴). *فصلنامه مطالعاتی و اطلاع‌رسانی ویژه‌ی معلولیت و توانمندسازی*. ویژه‌نامه پیشگیری شماره ۲ و ۳. مؤسسه اندیشه نوین معلولین فرهیخته. قم
- خسروی‌تپه، نسرین، راهب، غنچه، عرشی، ملیحه، اقلیما، مصطفی. (۱۳۹۴) بررسی ارتباط بین حمایت اجتماعی و کیفیت زندگی در معلولین جسمی-حرکتی مراکز آموزشی رعد، *مجله توان‌بخشی*. ۱۶ (۲): ۱۷۶-۱۸۵
- دستیار، وحید و محمدی، اصغر. (۱۳۹۷). *سنجش توانمندسازی معلولان جسمی (معلولان جسمی حرکتی، احشایی و حسی) در سال ۱۳۹۴ و عوامل مرتبط با آن (مطالعه مقطعی تحلیلی در استان کهگیلویه و بویراحمد)*؛ *مجله توان‌بخشی* ۱۹ (۴): ۳۵۴-۳۶۹
- رجبی، شهناز. (۱۳۹۹). *کانون معلولین توانا*. <https://www.iranavana.com>
- عاروان، کامران. (۱۳۹۹). *وبینار تخصصی «معلولیت بدون محرومیت از منظر سازمان‌های غیردولتی»*. <https://www.isna.ir/news/99091310525>
- فرویدیان، علی، سلیمانی‌نیا، لایلا، غریب، مسعود، فرهادی، محمدحسن و صادقی، ماندانا. (۱۳۹۲) بررسی نیازهای ویژه افراد دارای ناتوانی جسمی: یک مطالعه کیفی، *مجله علمی پژوهان*. ۱۱ (۳): ۹-۱۵.
- قانون جامع حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت (۱۳۹۷).
- مردم‌سالاری، (۱۳۹۹). *تحصیل دانشجویان دارای معلولیت در دانشگاه‌ها هر ترم ۳۷ میلیارد تومان اعتبار لازم دارد*. سرویس اجتماعی، *مردم‌سالاری آنلاین*
- <https://www.mardomsalari.ir/news/138044>
- معنوی، آذر. (۱۳۹۹). *همه در برابر معلولان مسئولیم*. *حقوق معلولان در قانون اساسی و حقوق شهروندی*. <https://www.ettelaat.com/mobile/?p=28632&device=phone>
- ملکی، حسن. (۱۳۹۴). *برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل) مدرسه*. تهران
- مهرام، بهروز؛ ساکتی، پرویز؛ مسعودی، اکبر و مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۵). *نقش مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان در هویت علمی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه فردوسی مشهد)*.

فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۱ (۳) ۲۹-۳.

موسوی، سید محمد. (۱۳۹۹) *ویژه‌نامه پیک توانا (ویژه‌نامه اشتغال)*. کانون معلولین توانا.

هادی پور، محمدرضا. (۱۳۹۹). *ویژه‌نامه پیک توانا (ویژه‌نامه اشتغال)*. کانون معلولین توانا.

References

- Anderson AH, Carter M and Stephenson J (2018) Perspectives of university students with Autism Spectrum Disorder. *Journal of Autism and Developmental Disorders* 48(3): 651-665.
- Bond J. Quality of life and older people. *Berkshire*. 2007; 12(21):45-57.
- Bualar, T. (2018). Barriers to inclusive higher education in Thailand: voices of blind students. *Asia Pacific Education Review*, 19(4), 469-477.
- Cory, R. C. (2011). Disability services offices for students with disabilities: A campus resource. *New directions for higher education*, 154(43), 27-36.
- Farrell, Peter. (2004). "School Psychologists Making Inclusion a Reality for All." *School Psychology International* 25 (1): 5-19.
- Gairín, J., & Suárez, C. I. (2014). Clarificar e identificar los grupos vulnerables. *Colectivos vulnerables en la Universidad. Reflexiones y propuestas para la intervención*, 35-61.
- Hadjidakou, K., V. Polycarpou, and A. Hadjilia. (2010). "The Experiences of Students with Mobility Disabilities in Cypriot Higher Education Institutions: Listening to Their Voices." *International Journal of Disability, Development and Education* 57 (4): 403-426
- Kennett DJ, Reed MJ and Stuart A (2013) The impact of reasons for attending university on academic resourcefulness and adjustment. *Active Learning in Higher Education* 14(2): 123-33.
- Kimball, E. W., Wells, R. S., Ostiguy, B. J., Manly, C. A., & Lauterbach, A. A. (2016). Students with disabilities in higher education: A review of the literature and an agenda for future research. In *Higher education: Handbook of theory and research* (pp. 91-156).
- Kunnath, S. K., & Mathew, S. N. (2019). Higher Education for Students with Disabilities in India: Insights from a Focus Group Study. *Higher Education for the Future*, 6(2), 171-187.
- Lourens, H., & Swartz, L. (2020). 'Every now and then you slip up and then you are in trouble': The responsibility on students with visual impairments to access reasonable accommodations in South Africa. *International Journal of Disability, Development and Education*, 67(3), 320-335.

- Milic Babic, M., & Dowling, M. (2015). Social support, the presence of barriers and ideas for the future from students with disabilities in the higher education system in Croatia. *Disability & Society*, 30(4), 614-629.
- Molden, T. H., Wendelborg, C., & Tøssebro, J. (2009). Levekår blant personer med nedsatt funksjonsevne. Analyse av levekårsundersøkelsen blant personer med nedsatt funksjonsevne 2007.
- Morina, A. (2017). *Inclusive education in higher education: challenges and opportunities*. *European Journal of Special Needs Education*, 32(1), 3-17.
- Myers, K. A., Lindburg, J. J., & Nied, D. M. (2014). *Allies for Inclusion: Disability and Equity in Higher Education: ASHE Volume 39, Number 5*. John Wiley & Sons.
- Okeeffe P (2013) *A sense of belonging: Improving Student Retention*. *College Student Journal* 47(4): 605–13.
- Oliver, M., & Barnes, C. (2010). Disability studies, disabled people and the struggle for inclusion. *British Journal of Sociology of Education*, 31(5), 547-560.
- Opini, B. M. (2012). *Examining the motivations of women students with disabilities' participation in university education in Kenya*. *Scandinavian Journal of Disability Research*, 14(1), 74-91.
- Page, A., Mavropoulou, S., & Harrington, I. (2020). Culturally responsive inclusive education: The value of the local context. *International Journal of Disability, Development and Education*, 1-14.
- Reed, M. J., Kennett, D. J., & Emond, M. (2015). The influence of reasons for attending university on university experience: A comparison between students with and without disabilities. *Active Learning in Higher Education*, 16(3), 225-236.
- Strnadová, I., Hájková, V., & Květoňová, L. (2015). Voices of university students with disabilities: inclusive education on the tertiary level—a reality or a distant dream?. *International Journal of Inclusive Education*, 19(10), 1080-1095.
- UNESCO Institute for Statistics (UIS) (2018). *Education and Disability: Analysis of Data from 49 Countries*. Information Paper N. 49 March 2018.
- Vlachou, A., & Papananou, I. (2018). Experiences and perspectives of Greek higher education students with Disabilities. *Educational Research*, 60(2), 206-221.
- World Health Organization. (2017) Health topics: Disabilities. <http://www.who.int/topics/disabilities/en>.
- Yusof, Y., Chan, C. C., Hillaluddin, A. H., Ahmad Ramli, F. Z., & Mat

Saad, Z. (2019). Improving inclusion of students with disabilities in Malaysian higher education. *Disability & Society*, 1-26.



استناد به این مقاله: طهماسب زاده شیخلار، داود، عظیمی آقبلاغ، احد، سیدی نظولو، سید طاهر، قادری، سیامند. (۱۴۰۱). تجارب زیسته دانشجویان معلول جسمی - حرکتی، از مشارکت در آموزش فراگیر، روان‌شناسی افراد / استثنایی، ۱۲(۴۶)، ۴۹-۸۷.

DOI: 10.22054/jpe.2022.66766.2432



Psychology of Exceptional Individuals is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی